



A Comparative Study of How to Support Homeless and Abused Women in the Legal System of Iran, Sweden and Denmark

Sahar Nik pour

PhD student of women's studies and women's rights in Islam, Qom University of Religions and Denominations, Qom
Sahar.nikpoor@yahoo.com

Abstract

One of the most significant and important vulnerable people in society are homeless and abused women. These women are always threatened by inadequate economic situation, social and cultural problems, psychological problems, poverty, etc., in their daily lives; examining the situation of this group is the most important issue facing societies. In fact, all countries have tried in some way to support orphaned and abused children and women, but there is a difference in how to pay attention to this group and the model of supporting them. Unaccompanied women, as part of society, also have the right to a quality life for other people with social security, so support for them needs to be widely studied academically; In this article, the concept of guardianship and lack of guardianship is examined in general and the three countries of Iran, Sweden and Denmark, representing the developed countries of the Scandinavian countries, are compared in a common subject to discover their commonalities and differences so that new solutions were found to improve the situation of these women. Therefore, the duty to support this group of women is the responsibility of any system of government. This category also has a religious basis in the system of the Islamic Republic of Iran and is considered as one of the great goals and policies of the system. In the constitution of Iran and its macro-policies, the enjoyment of social security is considered a basic and necessary matter and various plans have been made. One of the goals of social security is to meet the needs of low-income and vulnerable people in society, the abuser and the self-caregiver are among the neediest sections of society and are subject to a lot of material and spiritual damage. It will be very effective in improving the situation of these women in the Islamic society.

Keywords: women, guardianship, Iran, Sweden, Denmark.

Received: 16/ February/2022

Accepted: 5/May/2022

ISSN: 2783-3631

مطالعه‌ی تطبیقی نحوه‌ی حمایت از زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست در نظام حقوقی ایران، سوئد و دانمارک

دانشجوی دکتری مطالعات زنان و حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم
Sahar.nikpoor@yahoo.com

سحر نیک‌پور

چکیده

یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه، زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست هستند. وضعیت اقتصادی نامناسب، مشکلات اجتماعی و فرهنگی، مشکلات روحی و روانی، فقر و... این زنان، همواره آن‌ها را در زندگی روزمره تهدید می‌کند؛ بررسی وضعیت این قشر مهم‌ترین مسئله‌ی پیش روی جوامع است. در واقع همه کشورها به نوعی سعی در حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست داشته‌اند، اما تفاوت در نحوه‌ی توجه به این قشر و مدل حمایتی از آنان است. زنان بی‌سرپرست هم به‌عنوان بخشی از جامعه، حق داشتن زندگی با کیفیت دیگر افراد با امنیت اجتماعی را دارند، به این منظور لازم است تا حمایت از ایشان مورد بررسی‌های آکادمیک گسترده واقع گردد؛ پس در این مقاله به بررسی کلیات مفهوم سرپرستی و بی‌سرپرستی و مقایسه‌ی سه کشور ایران، سوئد و دانمارک به نمایندگی از کشورهای توسعه‌یافته‌ی حوزه‌ی اسکاندیناوی، در یک موضوع مشترک برای کشف نقاط اشتراک و اختلاف آن‌ها شده تا بتوان از این طریق به ارائه‌ی راه کارهای جدید در جهت بهبود وضعیت این زنان دست یافت. لذا وظیفه‌ی حمایت از این دسته زنان، بر عهده‌ی هر نظام حکوتی می‌باشد. این مقوله در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز پایه و اساس دینی دارد و از اهداف عالی و سیاست‌های نظام محسوب می‌گردد. در قانون اساسی ایران و سیاست‌های کلان آن بهره‌مندی از تأمین اجتماعی امری اساسی و ضروری محسوب شده و برنامه‌ریزی‌های متعددی صورت گرفته است. یکی از اهداف تأمین اجتماعی رفع نیاز افراد کم در آمد و مستضعف جامعه می‌باشد و از آن‌جا که زنان بی‌سرپرست، بدسرپرست و خود سرپرست از نیازمندترین اقشار جامعه و مورد حجمی آسیب‌های مادی و معنوی زیادی هستند، مورد توجه ویژه و در اولویت‌بندی این راهبردها قرار دارند، اما کمک گرفتن از تجربه‌ی موفق کشورهای موفق و الگو در سیستم‌های رفاهی می‌تواند در بهبود وضعیت این زنان در جامعه‌ی اسلامی نیز بسیار موثر باشد.

کلید واژگان: ایران، دانمارک، زنان، سرپرستی، سوئد

مقدمه

در بیشتر جوامع، پدر به‌عنوان مهم‌ترین فرد خانواده، مسئولیت ریاست، سرپرستی و مدیریت خانواده را به عهده دارد. موضوع و عنوان بی‌سرپرستی در بیشتر تحقیقات و پژوهش‌ها با عنوان فقدان پدر در خانواده معرفی و بیان می‌شود (بلداجی، فروزان و رفیعی؛ ۱۳۸۹). پدیده‌ی بی‌سرپرستی در علم جامعه‌شناسی و روانشناسی در جهان به‌صورت یک مسأله‌ی نگران‌کننده‌ی اجتماعی، ساختارهای جامعه را تهدید می‌کند؛ چون افراد بی‌سرپرست در اثر وابسته نبودن به خانواده و جامعه به آسیب‌های اجتماعی دچار می‌شوند. بی‌سرپرستی مشکلی است که از قدیم وجود داشته و از آسیب‌های جوامع بشری بوده است. در هر دوره‌ی زمانی، بنا به اقتضای جامعه و فرهنگ مردم و نظام حاکم با این پدیده، برخوردی متفاوت شده است. اما مسلم است که با وجود ارزش‌ها و فرهنگ‌های گوناگون همیشه سعی شده است تا حمایت از بی‌سرپرستان وجود داشته باشد و تفاوت در نوع و میزان حمایت بوده است.

در کشورهای توسعه‌یافته پدیده بی‌سرپرستی رابطه‌ی مستقیم با نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد و تغییرات اخیر در شکل اجتماع و خانواده موجب به وجود آمدن ارزش‌های تازه‌ای گردیده است و رفتارهای فردی و اجتماعی مردم را در اثر عوامل متعدد تغییر داده است البته باید توجه داشت که نقش نهادهای ارزشی در حیات اجتماعی دنیا علی‌الخصوص این جوامع کاهش یافته و نهاد خانواده سنتی کم‌رنگ شده است. علیرغم تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و تأکید این کنوانسیون بر مبارزه با ظلم به زنان و لزوم به کار بستن روش‌های مناسب برای توانمند ساختن زنان در همه عرصه‌ها و بهره‌مندی آنان از حقوق‌شان؛ هنوز کم نیستند زنانی در جهان که در اثر فقر و به منظور امرار معاش خود و یا فرزندان‌شان به تن‌فروشی مشغول هستند، یا مورد خرید و فروش واقع می‌شوند و در حمل و نقل مواد مخدر و... به کار گرفته شده‌اند. موضوع حمایت از زنان و کودکان بی‌سرپرست نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته بلکه در ایران هم از سابقه‌ی طولانی برخوردار است. مسئله‌ی بی‌سرپرستی یکی از آسیب‌های مهم مدنظر در سیاست‌های کشور است (یعقوبی، ۱۳۸۵). در تحقیقی که با موضوع «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران» صورت گرفت، چنین به دست آمده است که نگاه به زنان در پژوهش‌ها به‌صورت سرمایه‌ی انسانی بوده و عنصر قدرت و عاملیت مغفول مانده است. همان‌طور که در تحلیل برنامه‌های توسعه‌ی چهارم تا ششم زنان را به‌عنوان دریافت‌کنندگان منفعل کمک می‌پندارند و نقش‌آفرینی و عاملیت زنان در توسعه مدنظر نبوده است. در برنامه‌های توسعه بر عنوان کلی توانمندسازی زنان هم بدون تصویب مواد قانونی مورد نیاز تأکید شده است و به سه محور اصلی نهادهای غیرانتفاعی و شبکه‌های اجتماعی، توانمندسازی زنان و اصلاح نگرش‌ها و باورها به این زنان به درستی پرداخت نشده است (زارعان و دیگران، ۱۳۹۷).

از آنجایی که زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در معرض انواع آسیب‌های روحی و روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... قرار می‌گیرند، بررسی وضعیت این افراد با اهمیت‌ترین موضوع موجود در جامعه است. هدف اصلی مقاله، بررسی وضعیت موجود زنان و کودکان بی‌سرپرست در ایران و مقایسه آن با معیارهای حقوق بین‌الملل و نیز تطبیق با نظام حقوقی سوئد و دانمارک می‌باشد. لذا سؤالی که مطرح می‌شود آن است که زنان و کودکان بی‌سرپرست در ایران چه وضعیتی دارند؟ و جمهوری اسلامی ایران در قبال این قشر چه برنامه‌ها و امکاناتی را در جهت بهبود شرایط آن‌ها در نظر گرفته است؟ فرضیه مقاله این است که زنان و کودکان بی‌سرپرست احتیاج به کمک‌های معنوی، عاطفی و مادی دارند و اگرچه اقدامات مؤثری در جمهوری اسلامی ایران برای این قشر در نظر گرفته شده است، اما هنوز ناکافی است و این قشر آسیب‌پذیر، نیاز به توجهات بیشتری دارد.

مفهوم سرپرست

در فرهنگ سبا در تعریف سرپرست (به فتح سین) آمده است، سرپرست کسی است که پرستار، نگهبان، بزرگ‌تر خانواده است، کسی که در جایی به جای رئیس کار می‌کند. سرپرستی نیز با مفهوم نگهبانی و پرستاری تعریف شده است (یعقوبی، ۱۳۸۵).

مفهوم بی‌سرپرست

بی‌سرپرستی در جهان و کشورهای مختلف تعاریف متفاوتی دارد. در بیشترین موارد و در مفهوم خانواده‌ی سنتی که مرد نان‌آور خانواده است به معنای نبودن پدر یا مسئول تأمین مادیات در خانواده به دلایل مختلف می‌باشد. در اسناد کشورهای توسعه‌یافته و قوانین آن‌ها نیز مفهوم بی‌سرپرست مترادف با less Father (یتیم) می‌باشد، البته با توجه به تغییر مفهوم خانواده و نظام اشتراکی تأمین مایحتاج زندگی، مفهوم بی‌سرپرست در نظام‌های سیاسی و اجتماعی مختلف دارای تعاریف متفاوت می‌باشد (یعقوبی، ۱۳۸۵).

بررسی نظریه‌های آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار

طبق نظریه‌ی زنانه شدن فقر، خانواده‌های زن سرپرست در همه کشورهای جهان گسترش و روزانه تعداد آنان افزوده می‌شود که البته اکثریت آنان جزء جمعیت کم درآمد کشورها حتی کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند. در این کشورها علیرغم کمک‌های دولتی فرآیند فقیر شدن زنان همچنان ادامه دارد. طبق این نظریه، زنان سرپرست این‌گونه خانواده‌ها عدم دسترسی به مشاغل بامنزل دارند یعنی یا بیکارند یا دارای مشاغل حاشیه‌ای نیمه وقت و کم درآمد هستند. مشکل دیگر این خانواده مدیریت زمان برای انجام کار خانگی و وظایف شغلی است که به آن فقر زمانی می‌گویند و همین امر آنان را آسیب‌پذیرتر می‌کند (نوابخش، ۱۳۸۹).

بر اساس نظریه‌ی کارکردی، خانواده‌های بی‌سرپرستی زنان با شکل طبیعی و سنتی خانواده در تضاد است و شکل‌گیری این خانواده‌ها نوعی انحراف است. در این خانواده‌ها به دلیل غیبت زوج شانس زندگی کودکان کاهش یافته و زندگی را با عدم اقتدار مواجه می‌سازد. براساس این نظریه بیشتر خانواده‌های زن سرپرست در محلاتی فقیر ساکن هستند که به نوعی دچار انزوا نیز خواهند بود (رابرتسون، ۱۳۷۲).

طبق نظریه‌ی طبقاتی، فقر و آسیب‌پذیری مقوله‌ای طبقاتی است و نه جنسیتی، لذا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب‌پذیری نیستند، بلکه فقط آن گروهی که از نظر طبقاتی در طبقات پایین اجتماع به سر می‌برند مستعد آسیب هستند که می‌تواند ناشی از فرآیندهای مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشترکی باشد که آنان را از تحصیل شرایط مناسب زندگی محروم می‌کند و علت اصلی آن نظام اقتصادی نابرابر است. حال در این بین وضعیت زنان بسیار خطرناک‌تر نیز می‌شود چون تحت تأثیر تبعیض‌های طبقاتی و دارای شانس کم‌تری نسبت به مردان هستند و همین امر آنان را در کنش‌های اجتماعی آسیب‌پذیرتر می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۹).

عوامل منجر به سرپرستی زنان در ایران

در بیشتر جوامع سنتی و توسعه‌نیافته و بخش زیادی از کشورهای توسعه‌یافته و علی‌الخصوص کشورهای اسلامی از جمله ایران مردان به‌عنوان رئیس و سرپرست خانواده وظیفه‌ی تأمین نفقه و معاش خانواده را به عهده دارند. در مقابل نیز زنان مسئولیت کارهای منزل و تربیت فرزندان را به عهده دارند. اما زنانی که به‌عنوان سرپرست خانوار شناخته می‌شوند علاوه بر نقش مادری و امور منزل، نقش تأمین‌کننده معاش خانواده را نیز به عهده دارند و به اشتغال بیرون از منزل می‌پردازند. توجه به این نکته ضروری است که زنان در همه جای دنیا از وضع اشتغال و درآمد مناسبی برخوردار

نبوده، مشکلات آن‌ها نسبت به مردانی که سرپرست خانواده هستند؛ بیشتر است (شادی طلب و همکاران، ۱۳۸۳). زنان به دلایل متعددی ناچار به بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار می‌شوند؛ بر این اساس خانوارهای زن سرپرست به ۳ گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول:

خانوارهایی که در آن‌ها مرد به صورت دائمی حضور ندارد و به همین دلیل زن (به دلیل فوت همسر یا طلاق)، سرپرستی خانواده‌ی تک نفره‌ی خود یا چند نفره را به عهده دارد همچنین دخترانی که هیچ‌گاه ازدواج نکرده و تنها زندگی می‌کنند.

گروه دوم:

خانوارهایی که در آن‌ها مرد به طور موقت، حضور ندارد مثل مهاجرت، مفقودالایر بودن، متواری یا زندانی، سرباز بودن و... و زن به تنهایی به تأمین معاش خود، فرزندان و یا دیگر افراد خانواده می‌پردازند.

گروه سوم:

خانوارهایی است که مرد در آن‌ها حضور دارد، اما به دلایل مختلف اعم از بیماری، بیکاری، از کار افتادگی، اعتیاد و... نقش موثری در امرار معاش ندارد و باید گفت زنان مسئولیت تأمین زندگی خود و یا دیگر افراد مثل فرزندان‌شان را عهده‌دار هستند (ناز کتبار و همکاران، ۱۳۸۲).

در یک دسته‌بندی دیگر، زنان سرپرست خانوار به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- زنان خودسرپرستی که عنوان خانوارهای تک نفره در سرشماری‌ها را دارند. که شامل دخترانی هستند که ازدواج نکرده یا مطلقه‌اند و تنها و مستقل زندگی می‌کنند که یا شاغل هستند و یا بخاطر فوت والدین از مستمری آن‌ها استفاده می‌کنند. تعدادی از دختران و زنان نیز هستند که از نظر اقتصادی مخارج خود را تأمین و با اقوام و خانواده‌ی خود زندگی می‌کنند، اما با عنوان سرپرست شناخته نمی‌شوند. آمار این گروه از زنان (خودسرپرست) به دلایل مختلف، از جمله طلاق، جدایی‌های غیرقانونی و افزایش امید به زندگی زنان نسبت به مردان، زیاد است و رو به افزایش نیز می‌باشد.
- گروه بعدی زنان سرپرست خانواری هستند که نگهداری و تأمین معاش فرزندان و یا سالخورده‌گان خانواده را بر عهده دارند (محمدی، ۱۳۸۵).

حمایت از زنان سرپرست خانوار و بی‌سرپرست در سندهای توسعه اول تا ششم

زنان سرپرست خانوار

- برنامه سوم: ماده‌ی ۵۶- در اجرای بند (۲) اصل چهل و سوم (۴۳) قانون اساسی، نظام بانکی کشور موظف است در طول سال‌های برنامه سوم به نحوی برنامه‌ریزی و اقدام نماید که همواره پس از کسر ذخائر قانونی و احتیاطی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز که حداکثر از بیست درصد (۲۰٪) آن تجاوز نمی‌کند، حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) بقیه را برای تهیه ابزار کار در اختیار کسانی قرار دهد که برای کار کردن امکان تهیه وسایل کار خود را ندارند. این تسهیلات به صورت وام بدون بهره بوده و کارمزد آن را شورای پول و اعتبار معین می‌کند. بیکاران ساکن در روستاها و زنان بیکار سرپرست خانوار و همچنین حرفه‌آموزان بخش‌های فنی و حرفه‌ای دولتی و غیردولتی از اولویت برخوردارند. مبلغ وام برای هر متقاضی حداکثر ده میلیون ریال معین می‌شود و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است مطابق آیین‌نامه اجرایی این ماده که آن را ظرف سه ماه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رساند، براساس اصل اعتماد و اتخاذ ساده‌ترین شکل اخذ تعهد، ترتیب اعطای تسهیلات را به

متقاضیان فقط برای یک‌بار بدهد و بازپرداخت وجوه وام داده‌شده را به‌نحوی معین کند که واقع‌بینانه و مطابق با شرایط اقتصادی وام‌گیرنده باشد.

ماده ۱۵۸ - مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدامات ذیل را به عمل آورد:

برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی، طرح‌های لازم با اولویت قایل شدن برای زنان خود سرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرا شوند.

- برنامه چهارم: ماده ۳۰/۳۰ دادن یارانه کارمزد تسهیلات مسکن به سازندگان (بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی) واحدهای مسکونی ارزان قیمت و استیجاری در چارچوب ضوابط و استانداردهای مصوب در شهرهای کوچک و متوسط و کلیه روستاهای آشور برای گروه‌های کم درآمد، کارگران، کارمندان و زنان سرپرست خانوار.
- ماده ۶۹/ج) تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیت‌های حمایتی)، برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی‌سرپرست با اولویت کودکان بی‌سرپرست.

ماده ۷۹-ی) تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست خانوار با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و تشکل‌های غیردولتی و تصویب آن در هیئت وزیران در شش ماهه نخست سال اول برنامه.

ل) افزایش مستمری ماهیانه خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست و زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی بر مبنای چهل درصد (۴۰٪) حداقل حقوق و دستمزد در سال اول برنامه.

- برنامه پنجم: امور اقتصادی: گسترش عدالت اجتماعی با: حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار
- ماده ۲۳۰: دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان» خانواده مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.

ماده ۳۹: به منظور توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند با تأکید بر برنامه‌های اجتماع‌محور و خانواده‌محور، با استفاده از منابع بودجه عمومی دولت و کمک‌های مردمی اقدامات زیر توسط دولت انجام می‌شود:

ج - تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیازمند، افراد بی‌سرپرست و معلولین نیازمند در طول سال‌های اجرای برنامه

- برنامه ششم: طرح اصلاح شبکه‌های تأمین مواد اولیه، طراحی، بازاریابی و فروش مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار، بیمه‌های اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهری و روستایی و معلولین، افزایش حمایت از زنان سرپرست

خوار و توانمندسازی زنان در مقابل تهدید اعتیاد و تبعات آن. توسعه و گسترش زمینه‌های کارآفرینی و اشتغال برای زنان و دختران با اولویت زنان سرپرست خانوار و دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی.

زنان و کودکان بی‌سرپرست

- برنامه دوم: تبصره ۱۲ - از محل اعتبارات فصل تأمین اجتماعی، معادل چهار هزار و هشتصد میلیارد ریال برای پرداخت مستقیم کمک معاش ماهانه به اقشار کم درآمد شامل خانواده‌ها، زنان و کودکان بی‌سرپرست و... بخش دوم - خط‌مشی‌های اساسی ۵ - تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به وسیله تأمین منابع از محل بودجه عمومی به منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند، زنان و کودکان بی‌سرپرست و معلولین توسعه بیمه‌های اجتماعی و قرار دادن همه اقشار مردم تحت پوشش بیمه خدمات درمانی تا آخر برنامه دوم و پرداخت سهم سرانه دولت مطابق ضوابط قانون بیمه خدمات درمانی.
- برنامه سوم: ماده ۱۵۸ - مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدامات ذیل را به عمل آورد: د- برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی، طرح‌های لازم با اولویت قایل شدن برای زنان خود سرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرا شوند.
- برنامه ششم: پایش مستمر تغذیه گروه‌های آسیب‌پذیر (زنان باردار و کودکان). افزایش سهم زنان از نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و توانمندسازی زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب (متن سندهای توسعه).

راهکارهای توان‌افزایی زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار

- در فراتحلیلی که توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۷^۱ صورت پذیرفته است، پس از بررسی پژوهش‌های حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار طی ده سال گذشته با تأکید بر راهکارهای کاهش آسیب در حوزه‌های ذیل به این راهکارها دست‌یافته‌اند:
- توان‌افزایی اقتصادی شامل: حمایت مالی، حمایت‌های بیمه و تأمین مسکن.
 - توان‌افزایی شغلی شامل: ارتقا اطلاعات در زمینه اشتغال، آموزش‌های حرفه‌ای برای اشتغال، زمینه‌سازی برای اشتغال با ثبات و با درآمد کافی و فراهم‌سازی زمینه کارآفرینی زنان سرپرست خانوار.
 - توان‌افزایی جسمانی شامل: افزایش آگاهی در زمینه بهداشت و سلامت جسمانی، تأمین امنیت غذایی، ترغیب به فعالیت‌های ورزشی و ارائه تسهیلات بیمه‌ی درمان.
 - توان‌افزایی روانی شامل: ارائه آموزش‌های روانشناختی و ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری.
 - توان‌افزایی فرهنگی شامل: ارتقا آگاهی‌های زنان سرپرست خانوار و ارتقا سطح تحصیلات زنان سرپرست خانوار.
 - توان‌افزایی اجتماعی شامل: تقویت شبکه‌های حمایتی خانوادگی و محلی، استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، افزایش سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار و ارتقا آگاهی اجتماعی نسبت به زنان سرپرست خانوار.
 - توان‌افزایی حقوقی شامل: افزایش آگاهی‌های حقوقی، اصلاح و توسعه قوانین حمایتی و فراهم‌سازی زمینه استیفای حقوق زنان سرپرست خانوار.
 - توان‌افزایی فرزندان شامل: توانمندسازی روانی فرزندان، توانمندسازی تحصیلی فرزندان و توانمندسازی حرفه‌ای فرزندان.

۱. معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده زنان.

- توان افزایی سازمانی شامل: ارتقا کارآمدی سازمانی، برنامه‌ریزی دقیق و جامع و اصلاح نحوه حمایت‌های سازمانی.

سوئد و دانمارک

منطقه‌ی اسکاندیناوی به محدوده‌ی کشورهای گفته می‌شود که در خلیج اسکاندیناوی یعنی شمال اروپا واقع شده‌اند، دو کشور سوئد و دانمارک در آن محدوده واقع شده‌اند. این کشورها هم در زمینه‌ی حل مسائل و مشکلات اقتصادی، و هم در زمینه‌ی حل مشکلات و بحران‌های اجتماعی در صدر اخبار و گزارشات جهانی می‌باشند (Tanhua, 2012). کشورهای حوزه‌ی اسکاندیناوی شادترین منطقه، دارای کم‌ترین میزان فساد، جوامعی با بهترین امکانات برای زندگی، بالاترین میزان برابری در آمد و برابری جنسیتی هستند که در زمینه‌ی حقوق زنان و اقلیت‌ها نیز همیشه در صدر جدول جهانی قرار دارند (Stahl & Mulvad, 2015).

جوامع مختلف سیاست‌گذاری‌های اجتماعی-رفاهی متفاوتی دارند که دارای اثرات مثبت یا منفی، می‌باشند. لذا می‌توان با بررسی وضعیت زیست و زندگی افراد جامعه نتیجه‌ی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی-رفاهی را مورد سنجش قرار داد. زیرا با توجه به ماهیت تحول بخشی سیاست‌گذاری‌ها، از آن‌ها انتظار می‌رود تا شرایط زندگی اعضای جامعه را بهبود بخشند و در صورتی که بهبود وضعیت شهروندان دارای نقیصه باشد باید نسبت به عملکرد مورد انتظار قوانین و سیاست‌گذاری‌ها با تردید نگریست و در مرحله‌ی بعد در ارائه مدل‌ها و الگوی سیاست‌گذاری تجدیدنظر نمود. داعیه‌داران حوزه‌ی خدمات رفاهی و یا دولت رفاه کشورهای حوزه‌ی اسکاندیناوی و در صدر آنان سوئد و دانمارک هستند که در موضوع حمایت از زنان علی‌الخصوص مادران تنها خود را در بهترین جایگاه به تصویر می‌کشند. در شاخص مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی زنان این کشورها رتبه‌ی بهتری را نسبت به کشورهای دیگر کسب نموده‌اند البته باید گفت که همیشه فراهم کردن شرایط رفاهی و خدمات اجتماعی گسترده به معنی حمایت ویژه از زنان نبوده است بلکه در کشورهای لیبرالی به دلیل توجه ویژه به مشارکت و آزادی افراد، زنان جایگاه بهتری در کسب درآمد دارند. درحالی که ذکر شد در کشورهای حوزه‌ی اسکاندیناوی یا دو کشور مدنظر ما دانمارک و سوئد میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر است. اگر چه ارائه‌ی خدمات فراگیر اجتماعی و امکانات رفاهی می‌تواند حمایت‌کننده‌ی زنان در انجام بهتر امور خانه‌داری گردد و در پی آن یاری‌گر زنان برای پذیرش نقش‌های خارج از منزل و یا مشارکت اجتماعی باشد، ولی مدل سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، به صورت ملی یا منطقه‌ای در دست‌یابی زنان به توانمندی‌های همه جانبه‌ی اقتصادی و حذف نابرابری‌های جنسیتی نقش مؤثر و مستقلی داشته باشد. در این میان مادران تنها بخاطر آسیب‌های اجتماعی و روانی ویژه‌ای که بخاطر مسئولیت‌های اجتماعی به دوش می‌کشند از مشکلات پیچیده‌تری نیز رنج می‌برند. بسترها و امکانات اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و فرآیند اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن در حذف و برداشتن نابرابری‌های جنسیتی و از سوی دیگر حمایت از زنان و عدالت جنسیتی مساله‌ای انکارناپذیر است. همان‌طور که بیان شد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار فقط و فقط با تصویب سیاست‌گذاری‌های اجتماعی همه جانبه و فراگیر به وجود نمی‌آید. دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی می‌گویند حکومت‌ها باید تغییر در نگرش اجتماعی را قبل از ارتقاء جایگاه زنان در سطح خانواده تجویز کنند تا در این حوزه موفق گردند (الکاک و همکاران، ۱۳۹۱).

سیاست‌های برابری جنسیتی در کشورهای حوزه‌ی اسکاندیناوی در دهه‌های اخیر یک دید کلی از وضعیت حقوق زنان و برابری جنسیتی در این کشورها به ما ارائه می‌دهد. در این سیاست‌ها به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، وضعیت بازار کار زنان، برقراری تعادل بین زندگی خصوصی و اشتغال زنان و کاهش خشونت‌های خانگی توجه ویژه شده است (نوموزر هنینگس، ۲۰۱۵).

«مور بلیک»^۱ (۱۳۸۵) به بررسی ویژگی‌های نظام رفاهی سوسیال دموکرات می‌پردازد، در این میان سوئد در بین کشورهای اسکاندیناوی، نماینده‌ی این نظام می‌باشد. این دولت‌ها بیشترین هزینه‌ی عمومی را صرف امور رفاهی و تأمین اجتماعی زنان می‌کنند. لذا خدمات رفاهی در این دولت‌ها، فراگیر، در دسترس همه‌ی اقشار و دارای کیفیت مناسب است. «اینگلهارت»^۲ (۱۳۸۹) نیز تبدیل دولت‌های سنتی به دولت‌های رفاه و حمایت‌های رفاهی دولت‌ها، عامل مهمی در نقش‌آفرینی اقتصادی و عمومی برای زنان می‌داند که باعث کاهش نگرانی‌های خانواده‌های بسیاری در سوئد و دانمارک گردیده و همچنین موجب افزایش توانمندی آنان در نقش‌ها و مسئولیت‌های خارج از منزل گردیده است. در سوئد، ممکن است بدون وقوع طلاق هم، یکی از همسران در منزلی جداگانه زندگی کند. در این شرایط باید وضعیت کودکان تحت تکفل خود را مشخص کنند. اگر این شرایط به طلاق منجر شود ممکن است همسر مجبور شود مدتی یا گاهی تا آخر عمر به همسر و فرزند خود نفقه دهد. نیاز همسر جدا شده به ادامه‌ی آموزش برای به دست آوردن شغل یا کسب درآمدی تا قبل از افزایش درآمد اصلی به خصوص برای خانم‌هایی که بخاطر کار در خانه یا فرزندآوری و بعد از آن بزرگ کردن فرزند خود یا شریک‌شان کار خود را از دست داده‌اند و یا ممکن است کار پاره‌وقت داشته‌اند؛ از مواردی است که منجر به دریافت نفقه از سوی همسر پیشین می‌گردد. بدین نکته مهم نیز باید توجه داشت که ممکن است ازدواج مجدد فرد یا به گذران زندگی با شریک دیگر موجب اسقاط نفقه نگردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین در حقوق سوئد امکان پیگیری دریافت نفقه به صورت قانونی با تدابیر مالی و غیرمالی وجود دارد تا حتی پرداخت مخارج به زوجه پس از وقوع طلاق نیز ممکن باشد. در حقوق سوئد جرم قطع حمایت مالی از همسر دو سال حبس و صد هزار کرون جریمه نقدی می‌باشد. این در حالیست که در قانون جزای قدیم این کشور، سه ماه تا یک سال حبس و جریمه نقدی از پانصد تا بیست هزار کرون برای این جرم در نظر گرفته شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از نکات مهمی که سوئد و دانمارک را در حوزه‌ی حمایت از زنان در جایگاه بهتری قرار می‌دهد توجه ویژه‌ی آنان نسبت به تقویت موقعیت زنان در جامعه نسبت به مردان است. افزایش حضور زنان در مجامع مهم تصمیم‌گیری منجر به نتایج خوبی در زندگی جامعه‌ی زنان شده است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تلاش در جهت ایجاد برابری جنسیتی در سطح فرامحلی در این کشورها موجب شده است تا به حقوق زنان توجه بیشتری صورت پذیرد. به نظر محققان، زنان در جایگاه‌های بالای سیاسی و دارای قدرت تصمیم‌گیری در جهت بهبود درآمد و رفاه زنان دیگر نیز تلاش می‌کنند (وانگه رود و کوکونن، ۲۰۱۶).

«لگ»^۴ (۲۰۱۰) در ارتباط با میزان و نحوه‌ی اثرگذاری دولت‌های رفاه بر موقعیت زنان و حمایت از آنان پژوهشی را انجام داده است. سوئد (با نظام رفاهی سوسیال دموکرات) برای مرخصی زایمان زنان ۶۸ هفته، که البته طولانی‌ترین مدت زمان مرخصی زایمان می‌باشد را در نظر گرفته است. که این زنان در مدت استفاده از مرخصی زایمان استحقاق دریافت ۸۰ درصد حقوق خود را دارند و در سه ماه پایانی نیز حداقل قانونی حقوق به آن‌ها پرداخت می‌گردد (Mousavi & Ravankhah, 2016).

باید بدین نکته توجه داشت که مهم‌ترین راهبرد کشورهای حوزه‌ی اسکاندیناوی علی‌الخصوص سوئد و دانمارک در جهت حمایت از زنان و به طور ویژه مادران مجرد رشد و توسعه‌ی نهادهای مدنی است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت این کشورها با تشخیص بخشیدن به همه‌ی اقشار زنان و واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی به آنان در کنار کم

1. Moore Blake.
2. Inglehart.
3. Kokkonen & Wängnerud.
4. Legg.

کردن نگاه‌های جنسیتی همراه با ارائه‌ی خدمات اجتماعی به این افراد بیشترین حمایت را از این قشر انجام داده‌اند (آزموده و حاجی یوسفی، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد زنانی که به هر دلیل با چالش سرپرستی خانوار مواجه گشته‌اند؛ در تمام جوامع و کشورهای توسعه نیافته تا جهان اول و در صدر آنان کشورهای حوزه اسکاندیناوی، این زنان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر مدنظر سیاست‌گذاران و حاکمان بوده‌اند. خانواده‌های زن سرپرست در همه کشورها در حال گسترش است. حمایت از این زنان می‌تواند از آسیب‌های بسیار گسترده‌ای جلوگیری نماید، در متون دینی و احکام مربوط به حکمرانی اسلامی، یکی از اقشار مورد توجه، خانواده‌های ایتام و زنان بی‌سرپرست قرار می‌باشند. در سیاست‌ها و قوانین ایران نیز، خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی توجه به این قشر از زنان مورد توجه رهبران جامعه بوده است. در ایران پژوهش‌ها در خصوص زنان و تلاش‌ها در گذشته، صرفاً زنان به‌عنوان سرمایه انسانی و دریافت کنندگان منفعل بودند. اما در حال حاضر بر توانمندی‌سازی زنان تاکید شده است. نکته‌ی جالبی که وجود دارد این است که آمار زیادی از زنانی که به دلیل جنگ تحمیلی سرپرستی خانوار را قبول کرده‌اند؛ در توجه خاص به این قشر نیز بی‌تأثیر نبوده است. اما علیرغم تلاش‌های صورت گرفته در این حوزه، اهدافی که همیشه مدنظر سیاست‌ها و قوانین بوده است؛ محقق نشده است. در سوئد و دانمارک با تشخیص بخشیدن به قشر زنان بد سرپرست و بی‌سرپرست و نگاهی فارغ از هرگونه جنسیت همراه با ارائه خدمات اجتماعی گوناگون، موجب بهبود اوضاع شده است.

کوشش حاضر در صدد آسیب‌شناسی قوانین موجود جامعه نمی‌باشد لکن حتماً باید به منظور پر کردن فاصله‌ی بین اهداف تا عمل وضعیت موجود زنان را با سیاست‌ها مقایسه نمود و البته تجربه‌ی زیسته‌ی زنان در این زمینه بسیار مهم است. اما در مورد سیاست‌های ذکر شده در مقاله خصوصاً سیاست‌های برشمرده شده در اسناد توسعه و گزارش‌های معاونت زنان شاید بتوان مهم‌ترین رویکرد این سیاست‌ها را در حمایت مادی از زنان دانست در حالی که بنظر نگارنده‌ی این مقاله در کنار حمایت‌های مادی حمایت‌های اجتماعی و شرکت دادن این زنان در تصمیم‌گیری‌ها و مقوله‌های اجتماعی بسیار مهم است و از طرفی باید ضمانت اجرای قوانین حمایتی از زنان را افزایش داد و در جهت بهبود عزت نفس و خودکارآمدی این زنان کوشید. این موارد نکاتی است که می‌توان در قوانین حمایتی کشورهای موفق در حوزه‌ی اسکاندیناوی و به‌طور مشخص سوئد و دانمارک نیز مشاهده نمود. در این کشورها نیز به این نکته رسیده‌اند که حمایت‌های قانونی باید همراه با فرهنگ‌سازی و توجه به بُعد معنوی و اجتماعی زنان همراه باشد و در صورت فراهم کردن خدمات گسترده‌ی اجتماعی برای مادران و زنان این قشر از زنان نیز بدون آسیب به غرور و هویت اجتماعی‌شان می‌توانند از این امکانات استفاده کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که دلیل این که این خدمات به‌صورت عام در این کشورها عرضه می‌شود تفاوت‌های اجتماعی و تعریف نهاد خانواده در این کشورها نیز می‌باشد.

منابع

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- آزموده، فهیمه و حاجی یوسفی، امیر محمد. (۱۳۹۸). تأثیر توانمندسازی سیاسی زنان بر حکمرانی خوب: (درس‌هایی از سوئد برای ایران). *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۴(۲)، ۳۳-۶۲.
- بلداجی، تانیا، فروزان، آمنه و رفیعی، حسن. (۱۳۹۰). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۰)، ۹-۲۸.

- جعفری، الهه. (۱۳۹۶). حمایت حقوق بشری از زنان و کودکان بی‌سرپرست در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش نامه حقوق بشری*، ۳(۱۰)، ۷۱-۵۱.
- حیدری، حسن، حاجتی، منیژه و ابراهیمی‌نسب، یوسف. (۱۳۹۰). نفقه‌ی زن در حقوق ایران، فرانسه و سوئد، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، ۲(۷)، ۷۹-۹۳.
- رابرتسون، رایان. (۱۳۷۲). *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی: ستیز و کنش متقابل نمادی*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- زارغان، منصوره، زارعی، معصومه و هنردوست، عطیه. (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۶(۲)، ۳۱۹-۳۳۸.
- سندهای توسعه‌ی اول تا ششم، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸-۱۴۰۱.
- شادی‌طلب، ژاله و گرایبی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار، *زن در توسعه و سیاست*، ۲(۱)، ۴۹-۷۰.
- شادی‌طلب، ژاله، وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن. (۱۳۸۴). ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فقر و نابرابری در ایران/ فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خاروار، *رفاه اجتماعی*، ۴(۱۷)، ۲۲۷-۲۴۷.
- شکوهی، جواد، رئیسی‌شهرویی، حفصه، یقوبی، نور محمد. (۱۳۸۵). شناسایی و اولویت‌بندی استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان)، *زن و جامعه*، ۹(۳-۴۸ پیاپی)، ۲۴۵-۲۷۰.
- الکاک، پیت، مارگارت، می و راولینگسون، کارن. (۱۳۹۱). *مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی*، جلد اول، ترجمه علی‌اکبر تاج‌مزیانی و محسن قاسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- کن، مور بلیک. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی، چاپ اول، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- محمدی، بهلول. (۱۳۸۶). بررسی عوامل بازدارنده موثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهرستان قزوین سال ۸۵-۸۶، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موسوی، مرضیه و روانخواه، فاطمه. (۲۰۱۶). واکاوی رابطه‌ی انواع نظام‌های رفاهی با توانمندسازی اقتصادی زنان، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۱)، ۷۳-۱۰۱.
- نازک‌تبار، حسین، حسینی درونکلایی، سیده زهرا و بابایی، انسیه. (۱۳۹۵). تحلیل رابطه سلامت معنوی، نگرش به ارتباط قبل ازدواج و دلزدگی زنانشویی زنان متأهل، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۳-۴۸ پیاپی)، ۹۳-۱۲۴.

References

- Mousavi, M., & Ravankhah, F. (2016). Analyzing the relation of welfare systems with women's economic empowerment, *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(1), 73-101. [in Persian]
- Numhauser-Henning, A. (2015). The policy on gender equality in Sweden, European Parliament, Manuscript Completed in February.
- Stahl, R. M., & Mulvad, A. C. M. (2015). What makes Scandinavia different? *Jacobin Magazine*.
- Tanhua, I. (2012). Gender equality and Nordic welfare societies. This report is part of the Finnish priority project
- Wängnerud, L., & Sundell, A. (2012). Do politics matter? Women in Swedish local elected assemblies 1970–2010 and gender equality in outcomes. *European Political Science Review*, 4(1), 97-120.
- Kokkonen, A. & Wängnerud, L. (2016). Women's Presence in Politics and Male Politicians Commitment to Gender Equality in Politics: Evidence from 290 Swedish Local Councils, *Journal of Women, Politics & Policy*, 38(2), 199-220.